



The Role of Clinics in Teaching Child Rights Courses to Parents and Legal Guardians with a View to Article 43 of the Law on the Protection of Children and Adolescents

Soheil Khoshnoodi¹

1. Department of Economic Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Children's rights clinics are new, knowledge-oriented and functional entities that pursue the provision of children's rights through various means while interacting with children, parents and various institutions. This study was conducted with the aim of investigating the role of these clinics in teaching child rights courses to parents and legal guardians.

Method: The present study is of theoretical type by descriptive-analytical method and the method of data collection is library.

Results: One of the most important aspects of the existence of children's rights clinics is education and culture-building in relation to children's rights and the transfer of concepts contained in international documents and domestic legal laws and procedures around children. In order to stabilize and develop the position of child rights clinics, legal powers and platforms are needed along with the allocation of facilities and appropriate budget. Article 43 of the Law on the Protection of Children and Adolescents is one of the important platforms that have been prepared in the current laws for the connection and synergy between clinics and the judicial system and parents and especially the legal guardians of adopted children. Based on this, the judge can oblige parents, legal guardians of children and adolescents or other persons related to the case to participate and obtain a certificate of educational courses on children and adolescents law in all the stages of the proceedings.

Conclusion: Children's law clinics can play an important role in providing training courses and being a reference for legal services. Developing Article 43 of the Child Protection Law and using it to educate parents about children's rights in all proceedings related to children and even outside the judicial framework seems important and necessary.

Keywords: Child Rights; Education; Child Rights Clinic; Judicial Proceedings

Corresponding Author: Soheil Khoshnoodi; **Email:** soheil_khoshnoodi@yahoo.com

Received: February 6, 2022; **Accepted:** April 20, 2022

Please cite this article as:

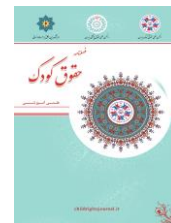
Khoshnoodi S. The Role of Clinics in Teaching Child Rights Courses to Parents and Legal Guardians with a View to Article 43 of the Law on the Protection of Children and Adolescents. *Child Rights Journal*. 2022; 4(14): 35-46.



انجمن علمی حقوق کودکان ایران | انجمن علمی حقوق پزشکی ایران | اندیشه بین‌المللی کرامت انسانی

فصلنامه حقوق کودک

دوره چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۴۶-۳۵

Journal Homepage: <http://childrightsjournal.ir>

نقش کلینیک‌ها در آموزش دوره‌های حقوق کودک به والدین و سرپرستان قانونی با نگاهی به ماده ۴۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

سهیل خوشنودی^۱

۱. گروه حقوق اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کلینیک‌های حقوق کودک نهادهایی نوپا، دانش‌محور و کارکردی محسوب می‌شوند که از جهات مختلف و ضمن تعامل با کودکان، والدین و نهادهای گوناگون در جامعه، تأمین حقوق کودکان را با ابزارهای مختلف در دستور کار خود دارند. این مطالعه با هدف بررسی نقش کلینیک‌های مزبور در آموزش دوره‌های حقوق کودک به والدین و سرپرستان قانونی انجام گرفت.

روش: تحقیق حاضر یک مطالعه نظری به روش توصیفی - تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات آن به صورت کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: از مهم‌ترین جهات فلسفه وجودی کلینیک‌های حقوق کودک آموزش و فرهنگ‌سازی در رابطه با حقوق کودکان و انتقال مؤثر مفاهیم مندرج در اسناد بین‌المللی و قوانین و رویه‌های حقوقی داخلی پیرامون کودکان است. برای تثبیت و توسعه جایگاه کلینیک‌های حقوق کودک، اختیارات و بسترهای قانونی در کنار تخصیص امکانات و بودجه مناسب نیاز است. یکی از بسترهای مهمی که در قوانین فعلی برای پیوند و هم‌افزایی میان کلینیک‌ها و نظام قضایی و والدین و به ویژه سرپرستان قانونی فرزندخواندگان تمهید گردیده و می‌بایستی مورد توجه قرار گیرد، ماده ۴۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان است. بر این اساس قاضی رسیدگی‌کننده می‌تواند در موضوعات مشمول قانون در کلیه مراحل رسیدگی، والدین، اولیا یا سرپرست قانونی اطفال و نوجوان یا سایر اشخاص مرتبط با پرونده را ملزم به شرکت و اخذ گواهی دوره‌های آموزشی حقوق اطفال و نوجوانان کند.

نتیجه‌گیری: کلینیک‌های حقوق کودک می‌توانند در این زمینه ارائه دوره‌های آموزشی، نقش مهمی ایفا نموده و مرجع خدمات حقوقی باشند. توسعه ماده ۴۳ قانون حمایت و استفاده از آن برای آموزش حقوق کودک به والدین در تمامی فرایندهای دادرسی مرتبط با کودکان و حتی خارج از چارچوب قضایی، امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ آموزش؛ کلینیک حقوق کودک؛ رسیدگی قضایی

نویسنده مسئول: سهیل خوشنودی؛ پست الکترونیک: soheil_khoshnoodi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۳۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Khoshnoodi S. The Role of Clinics in Teaching Child Rights Courses to Parents and Legal Guardians with a View to Article 43 of the Law on the Protection of Children and Adolescents. *Child Rights Journal*. 2022; 4(14): 35-46.

مقدمه

حقوق کودک از مهم‌ترین وجوه و ابعاد دانش حقوق به شمار می‌رود، چراکه موضوع و مخاطب آن طیفی حساس و آسیب‌پذیر و در عین حال سرمایه‌های بی‌بدیل جامعه انسانی است. ارتقای حقوق کودک در هر جامعه‌ای موجب تکریم و نکوداشت جایگاه افراد، برآوردن آرامش و انسجام اجتماعی و تحقق زمینه پیشرفت و تعالی انسانی محسوب می‌گردد، در حالی که مباحث نظری حقوق کودک به سطحی از اشباع نزدیک شده است، حوزه‌های کاربردی و ابزاری تا حدی در نظام‌های حقوقی مغفول مانده است. در این میان، یکی از ابزارهای بسیار ارزنده و شایسته توجه در رابطه با ارتقای شاخصه‌های حقوق کودک، کلینیک‌های حقوقی و به طور خاص، کلینیک‌های حقوق کودک است.

کلینیک‌های حقوقی پل ارتباطی میان دانشگاه‌ها، متخصصین، مردم و سازمان‌ها هستند و خدمات مختلف حقوقی در زمینه‌های آموزش، مشاوره، معاضدت حقوقی، کارشناسی و... ارائه می‌دهند. یکی از مهم‌ترین کارکردهای کلینیک حقوقی، بحث آموزش است؛ این آموزش هم دانشجویان حقوق و حتی قضات و وکلا و هم دیگر افراد جامعه اعم از کودکان، خانواده‌ها، سازمان‌ها و نهادها به ویژه اشخاصی که با کودکان سروکار دارند (نظیر مسئولین مدارس، معلمان، کارکنان مراکز فرهنگی و ورزشی، پلیس) را شامل می‌شود.

آموزش حقوق کودک مسأله‌ای کلیدی است که لازمه شناخت و درک حقوق کودکان و زمینه‌ساز تحقق آن خواهد بود. این امر به ویژه در مورد والدین و سرپرستان قانونی کودکان که مهم‌ترین گروه مرتبط با اطفال و نوجوانان از حیث کمیت و کیفیت رابطه به شمار می‌آیند، ضرورت مضاعفی دارد. متأسفانه آموزش حقوق کودک به خانواده‌ها به زبانی ساده، کاربردی و مؤثر آنطور که باید

در سیاست‌های کلان نظام‌های حقوقی جای نگرفته است که این نقیصه می‌تواند با وساطت کلینیک‌های حقوق کودک مرتفع شود. از طرف دیگر، با توجه به اینکه قانونگذار ایران به اهمیت آموزش حقوق کودک واقف گردیده است و به طور خاص در ماده ۴۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان این اختیار را برای قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده به صراحت پیش‌بینی نموده است که در موضوعات مشمول قانون در کلیه مراحل رسیدگی، والدین، اولیا یا سرپرست قانونی اطفال و نوجوان را ملزم به شرکت و اخذ گواهی دوره‌های آموزشی حقوق اطفال و نوجوانان کند، تأکید بر آموزش حقوق کودک به والدین و سرپرستان با بهره‌گیری از ظرفیت کلینیک‌های حقوق کودک امری بایسته به نظر می‌رسد. بر این اساس مقاله حاضر پس از تبیین مفهوم و کارکرد کلینیک‌های حقوقی و کلینیک حقوق کودک، به اهمیت و ضرورت آموزش والدین و سرپرستان قانونی در چارچوب این کلینیک‌ها خواهد پرداخت.

روش

مقاله حاضر از حیث نوع، نظری است و به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع می‌پردازد. همچنین از حیث روش گردآوری اطلاعات، شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌ها

۱. کلینیک‌های حقوق کودک؛ چیستی، بسترها و کارکردها: برای شناسایی کلینیک‌های حقوق کودک ابتدا باید مفهوم و پیشینه کلینیک‌های حقوقی را مطالعه نمود. کلینیک حقوقی (Legal Clinic)، از حیث پیشینه شکل‌گیری، مرکزی دانشگاهی وابسته به دانشکده‌های

خدمات حقوقی آغاز به کار کرد. در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، یعنی دهه فعالین حقوقی و جنبش‌های مدنی در آمریکا، کلینیک حقوقی در چارچوب دانشگاهی آن و همزمان با آن آموزش تجربی حقوق در ایالات متحده آمریکا گسترش یافت. در بسیاری از حوزه‌های قضایی آمریکا، به دانشجویان عضو کلینیک حقوقی اجازه فعالیت محدود حقوقی داده می‌شد، در نتیجه ابتکار آموزش کلینیکی حقوق از موفق‌ترین و هیجان‌انگیزترین تجارب آموزش حقوق به شمار می‌رود (۳).

به واقع باید گفت کلینیک‌های حقوقی دغدغه ادغام آموزش‌های دانشگاهی و مباحث نظری در فعالیت‌های عملی و مشاوره حقوقی را دارند. این کلینیک‌ها برای سال‌ها در کشاورهایی چون ایالات متحده آمریکا تجربه شده‌اند و می‌توانند الگویی برای سایر کشورها باشند. برای مثال، کلینیک‌های حقوقی در آلمان می‌تواند از سوی دانشجویان و در فرایند مشاوره حقوقی دانشجویی راه‌اندازی شود و یا اینکه از طرف وکلا، قضات یا اساتید دانشگاه با کمک و هدایت دانشجویان، سرپرستی شود (۴).

در کشور ما کلینیک‌های حقوقی مغفول بوده‌اند، لیکن اخیراً تا حدی مورد توجه قرار گرفته و از عمر آن‌ها، کمتر از یک دهه می‌گذرد. کلینیک‌های حقوقی به شیوه‌های متنوعی تأسیس و مدیریت می‌گردند که از جمله کلینیک‌های دولتی و غیر دولتی هستند. کلینیک‌های دولتی در کشورهایی که جوامع مردم‌نهاد توسعه نیافته‌اند توسط نهادهای دولتی تأسیس شده و با توجه به اهداف آن فعالیت می‌کنند. با این حال، کلینیک‌های غیر دولتی دارای آزادی عملکرد بیشتر بوده و بهتر می‌توانند مطالبات و حقوق مردم را پیگیری نمایند. شکل‌های دیگر، کلینیک‌های دانشگاهی و برون دانشگاهی است. در نوع درون دانشگاهی ارتباط دانشجویان و اساتید با

حقوق معرفی شده است که در آن اساتید و دانشجویان حقوق به صورت عملی اقدام به ارائه خدمات حقوقی مختلف به مراجعان و موکلان می‌کنند. خدمات حقوقی در کلینیک حقوقی نوعاً زیر نظر اساتید حقوق با سطح علمی و تجربی بالا ارائه شده و از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان حقوق دارای مجوز کار برای امور اجرایی و پیگیری امور بهره گرفته می‌شود. در واقع در کلینیک‌های حقوقی دانشجویان زیر نظر وکلا و اساتید حقوق در پرونده‌های عینی و موارد علمی مشارکت می‌کنند. این رویکرد اولین بار در اواخر سال ۱۹۶۰ توسط Gary Bellow و دیگران به عنوان جایگزینی برای برنامه‌های کارآموزی در نظام سنتی، معرفی شد (۱).

تاریخچه تأسیس کلینیک‌های حقوقی در دانشکده‌های حقوق به ابتدای قرن بیستم و مدت کوتاهی پس از آغاز به کارگیری روش قضیه محور در سیستم آموزشی حقوق در ایالت متحده آمریکا برمی‌گردد. این متد آموزشی که می‌توان آن را سرآغاز توجه دانشگاه‌ها به جنبه فنی و کاربردی حقوق دانست، روش منطقی استنتاج از منابع و پرونده‌های حقوقی است که مطابق آن دانشجویان حقوق به جای فراگیری دیدگاه‌های انتزاعی صرف، پیرامون قوانین و مقررات، بر آرای قضایی صادره از دادگاه‌ها تمرکز کرده و با تجزیه و تحلیل آن‌ها اصول حقوقی را می‌آموزند. این روش آموزشی توسط پروفیسور کریستوفر کلمبوس لانگدل در دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد در اواخر قرن نوزدهم پایه‌ریزی شد (۲).

البته تفکر تشکیل کلینیک‌های حقوقی از دهه ۱۹۳۰ در آمریکا مطرح بوده است. قبل از آن در سال ۱۹۰۱ آموزش کلینیکی حقوق توسط یک استاد روس تبار به نام الکساندر لیوبلینکی مطرح شده بود. وی بر این باور بود که کلینیک مدرسه حقوق را می‌توان به شکل پزشکی بالینی اداره نمود. در دهه ۱۹۵۰ کلینیک حقوقی با ارائه

خوارزمی، شهید چمران اهواز و دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان و بندرعباس و... به کلینیک‌های حقوقی توجه داشته و کلینیک‌های حقوقی را جهت ارتباط بدنه دانشگاهی با جامعه و ارائه خدمات با کیفیت حقوقی به قشرهای مختلف مردم و بخش‌های مختلف بخش خصوصی، عمومی و دولتی، مدیریت و سازماندهی خدمات آموزشی و پژوهشی حقوقی به دانشجویان و مؤسسات و نهادهای مختلف، تأسیس نموده‌اند (۵).

همانطور که گفته شد، تقسیم‌بندی‌های مختلفی نظیر کلینیک‌های عام یا تخصصی، کلینیک‌های حقوقی درون دانشگاهی یا برون دانشگاهی و کلینیک‌های حقوقی دولتی یا غیر دولتی در مورد کلینیک‌های حقوقی قابل تبیین است، لیکن از حیث عام یا تخصصی بودن باید تأکید نمود برخی از کلینیک‌ها به صورت عام و فراگیر تشکیل می‌شوند، بدین مفهوم که در تمامی موضوعات حقوقی و حتی فرهنگی مرتبط قابلیت ورود خواهند داشت و به نوع و موضوع خاصی محدود نیستند، مانند کلینیک‌های حقوق شهروندی، اما بعضی دیگر به طور تخصصی به موضوعی خاص می‌پردازند. به عنوان مثال از کلینیک تخصصی حقوق سالمندان یا کلینیک حقوقی مهاجرین می‌توان نام برد. در این نوع کلینیک‌ها به صورت کاملاً حرفه‌ای و تخصصی به حقوق دسته‌ای خاص از افراد پرداخته می‌شود (۶).

از جمله کلینیک‌های مهم تخصصی می‌توان به کلینیک حقوق کودک اشاره داشت. کلینیک حقوق کودک می‌تواند به صورت وابسته و جزیی از یک کلینیک عام حقوقی (نظیر کلینیک‌های حقوق شهروندی) و یا به صورت کلینیک تخصصی مستقل تأسیس شود. کودکان به واسطه جایگاه حساس و مهمی که در اجتماع دارند نیازمند مساعد ویژه و کاربست‌های متناسب جهت تأمین و برپایی حقوق خود می‌باشند.

نهادهای قضایی شکل می‌گیرد و به طور عملی آموزش‌های لازم به دانشجویان ارائه گردیده و راهکارهای علمی توسط اساتید ارائه می‌گردد، اما در کلینیک‌های برون دانشگاهی این قبیل کلینیک‌ها زیرمجموعه نهادها و سازمان دولتی یا غیر دولتی به فعالیت می‌پردازند. همچنین می‌توان به کلینیک‌های عمومی و تخصصی اشاره کرد که به حقوق عامه مردم یا قشر خاصی از افراد می‌پردازند. هر یک از این شیوه‌های تشکیل البته معایب و مزایای خاص خود را دارند. در جهان، اغلب کلینیک‌های موفق حقوقی از نوع کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی وابسته به دانشکده‌ها هستند که این نشان‌دهنده توجه دانشگاه‌ها به جنبه فنی و کاربردی حقوق است و این امر یکی از نمادهای دانشگاه نسل سوم محسوب می‌شود، زیرا که در آن اساتید و دانشجویان حقوق به صورت عملی اقدام به ارائه خدمات حقوقی مورد نیاز به مراجعان می‌کنند و با رویکرد کارآفرینانه در راهبردها، ساختارها، دیدگاه‌ها و عملکردهای حقوقی به ایفای نقش می‌پردازند. کلینیک حقوقی، نهادی مردمی دانشگاهی است که در فضایی از دانش، تجربه، تعهد و عدالت محوری فعالیت می‌کند. این نهاد از یکسو تلاش می‌کند به اقشار نیازمند و آسیب‌پذیر خدمات حقوقی عمدتاً رایگان ارائه دهد، با ارائه مشاوره، به آسیب دیدگان اجتماعی کمک کند، در جهت حل منازعات به روش‌های مسالمت‌آمیز اقدام کند و آگاهی مردم را در مورد حقوق شهروندی و قوانین ارتقا بخشد و از سوی دیگر می‌کوشد تا دانش و تجربه دانشجویان را افزایش دهد، مهارت‌های حقوقی را به آنها بیاموزد، حس تعهد و مسئولیت‌پذیری را در آنان تقویت نماید و روحیه نوع‌دوستی و مشارکت در فعالیت‌های خیرخواهانه را در آنها پرورش دهد. در سیستم دانشگاهی ایران نیز، دانشگاه‌هایی چون دانشگاه مفید قم، شهید بهشتی، فردوسی مشهد، میبد، مراغه، ابن سینا،

می‌توانند، چشم‌اندازهای مقرر شده در افق ۱۴۰۴ را محقق نمایند (۵).

بنابراین با عطف توجه به سابقه و کارکرد کلینیک‌های حقوقی، این کلینیک‌ها نهادهایی تخصصی و غیر دولتی به شمار می‌روند که عمدتاً در مراکز دانشگاهی و کانون‌های وکلا تأسیس می‌شوند و خدمات حقوقی مشتمل بر آموزش، مشاوره، معاضدت حقوقی، رفع اختلافات، وکالت و... در حوزه‌های حقوق کودک به کودکان، خانواده‌ها، دانشجویان، وکلا، قضات، پلیس، نهادهای آموزشی و دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با مسائل کودکان ارائه می‌دهند.

۲. منزلت آموزش در کلینیک‌های حقوق کودک:

آموزش و ارتقای شاخصه‌های کیفی و کمی آن در جوامع انسانی هم واجد ارزش ذاتی است و هم اینکه به لحاظ کارکردی می‌تواند زمینه تعالی و پیشرفت یک جامعه را فراهم آورد (۷). حقوق بشر و شاخه‌های مرتبط با این دانش از محورهای مهمی محسوب می‌شوند که برای نهادینه‌شدن و پیاده‌سازی در جامعه نیازمند برنامه‌های آموزشی هستند.

آموزش حقوق بشر و حقوق شهروندی، نقشی اساسی در ارتقای حقوق بشر و دستیابی به عدالت در جوامع دارد. امروزه بسیاری از چالش‌های حقوق بشر ناشی از عدم آگاهی و فقدان روش‌های مؤثر آموزشی است. از مزایای روش آموزش آن است که علاوه بر کم‌هزینه بودن در افراد ایجاد اقتناع نموده و در نتیجه دوام خواهد داشت. با وجود این آموزش به شیوه‌های سنتی مکفی و کارآمد نیست، چراکه در آن شیوه‌ها مدرسان ایده‌های خود را طرح می‌نمایند که برای دانشجویان و فراگیران کسالت‌آور بوده و ایشان با مسائل و نکات عملی و کاربردی آشنا نمی‌شوند. روش آموزش در کلینیک‌های حقوق شهروندی (و کلینیک‌های تخصصی حقوق کودک) علاوه بر آنکه

بر اساس کنوانسیون حقوق کودک که دولت جمهوری اسلامی ایران در اسفند ۱۳۷۲ به آن پیوسته است و همچنین بر اساس تعاریف طفل و نوجوان در نظام حقوقی ایران (ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان)، منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است. این تعداد، جمعیت قابل ملاحظه‌ای با نیازهای خاص را در هر جامعه به خود اختصاص می‌دهد. لزوم شناسایی و خدمات‌رسانی به کودکان بازمانده از تحصیل، کودکان فقر، کودکان کار و کودکان خیابان‌گرد، کودکانی که دسترسی به آب آشامیدنی سالم، مدرسه استاندارد، سیستم بهداشتی، آموزش و خانواده ندارند و نیز به رسمیت‌شناختن حق‌های ذاتی و بنیادین بشری آنان که عام‌الشمول، جهانی و سلب‌ناشدنی می‌باشند، تکلیف آحاد جامعه و به ویژه نهادهای حقوقی در قبال کودکان را بیش از پیش برجسته می‌نماید. تحقق حداکثری حقوق کودک مستلزم همکاری‌های جدی میان نهادهایی است که طبق سند ملی حقوق کودک مکلف به ارتقای جایگاه کودکان می‌باشند. کودکان به این دلیل که توانایی دفاع از خود را ندارند بیش از هر فرد دیگری نیازمند حمایت‌های خاص هستند. بنابراین در تمامی رویکردها و اقدامات، رعایت مصالح عالیه کودک همواره باید مد نظر تصمیم‌سازان قرار گیرد. رکن یاری‌گر این نهادها، تشکل‌های مردمی و دانشگاهی به عنوان بخش مهمی از جامعه مدنی هستند که به مثابه پیونددهنده و هماهنگ‌کننده اقدامات حمایتی از کودکان می‌توانند توان و استعداد‌های خود را جهت صیانت همه‌جانبه از حقوق کودک به منصف ظهور برسانند. در این راستا کلینیک‌های حقوق شهروندی و نیز حقوق کودک که در استان‌ها در فرهنگسراها، دانشگاه‌ها، کانون‌های وکلا و مراکز فرهنگی استقرار یافته‌اند، با شناسایی نیازهای بومی کودکان هر استان و شهرستان

کودک، مشاوره و معاضدت حقوقی، مشاوره روان‌شناختی و مددکاری اجتماعی، مدیریت آسیب‌هایی که کودکان را تهدید می‌کند و پیشگیری از وقوع جرم و حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیدگی کودکان و... را دربر می‌گیرند (۱۲)، لیکن همانطور که در فلسفه وجودی کلینیک‌های حقوقی، آموزش رکن محوری است، معیار اصلی و کار بنیادین کلینیک‌ها را آموزش و ترویج حقوق کودک، شامل می‌شود.

در حوزه حقوق کودک آموزش‌ها در چارچوب کلینیک‌ها، می‌تواند به صورت هدفمند و بر اساس نیاز جامعه مخاطب، دسته‌بندی شود و توسط متخصصان از راه هم‌اندیشی، تولید محتوای مناسب صورت گرفته و با شیوه‌های مورد اقبال، در دسترس قرار گیرد و البته به صورت رایگان یا با هزینه کم، آموزش‌ها ارائه شود. در این زمینه آموزش مبادی نظری و مسائل کاربردی و عملی باید در دستور کار آموزش حقوق کودک به کودکان و خانواده‌ها و همچنین اقشار مرجع مانند قضات، پلیس و وکلا باشد. از آنجایی که نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی فاقد محتوای علمی و کارایی لازم جهت چنین آموزش‌هایی است، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، مدارس فصلی، کنفرانس‌های تخصصی و دوره‌های حقوق کودک، دوره‌های تکمیلی و آموزش‌های عمومی کوتاه‌مدت می‌تواند در این رابطه جبران مافات نماید. از یک منظر می‌توان برگزاری دوره‌های آموزشی را در سطوح کودک، والدین و مربیان تقسیم‌بندی نمود. تاکنون در این سه سطح، کارگاه‌های مختلف با موضوع مهارت‌افزایی و باورافزایی برگزار شده است و به صورت ماهانه نیز برای مشاوران بانوان دستگاه‌های اجرایی استان‌ها، کارگاه‌های آموزشی تبیین حقوق کودک و نیز الزامات و چالش‌های تربیتی عصر حاضر و صیانت از کودکان آنلاین برگزار می‌شود و اخیراً نیز، بستری مناسب

مشکلات روش‌های سنتی را ندارد، از ویژگی‌هایی چون در دسترس بودن، قابل پذیرش بودن و قابلیت انطباق با نمونه‌های عینی برخوردار است، لذا این روش باید در کنار برنامه دانشگاه‌ها در بحث آموزش حقوق شهروندی مد نظر قرار گیرد. در مجموع کلینیک‌های حقوق شهروندی می‌توانند نقش حائز اهمیتی در رسیدگی به چالش‌های حقوق بشر و بهبود فرایند آموزش در حوزه‌های مرتبط با آن ایفا نمایند (۸).

به طور کلی آموزش حقوق بشر یکی از راهکارهای اصلی در توسعه و ترویج حقوق بشر در جهت نیل به صلح و تقویت روحیه مدارا می‌باشد. به دیگر سخن، افزایش سطح آگاهی‌های عمومی و مهارت‌های حقوق بشری بر پایه اطلاعات صحیح علمی و روش‌های نوین آموزشی، راه رسیدن به توسعه پایدار را هموار می‌نماید (۹).

حقوق کودک نیز به عنوان بخشی مهم و اساسی از موضوعات حقوق بشر که ریشه در حقوق ذاتی انسان‌ها داشته و به طور یکسان میان آنان برقرار است، نسبت به حمایت و پشتیبانی از کودکان و اهتمام ویژه برای دستیابی آنان به حقوق اساسی خود توجه دارد (۱۰) و در جهت نیل به این اهداف، نیازمند آموزش و تعلیم مستمر به تمامی طرف‌ها و ذی‌نفعان است.

یکی از شیوه‌های مؤثر آموزش حقوق در حدود یکصد سال اخیر روش آموزش کلینیکی حقوق است که به عنوان شیوه‌ای کم‌هزینه، مشارکتی و انعطاف‌پذیر شناخته شده است. کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی می‌توانند دانش حقوق بشری گروه‌های حرفه‌ای در جامعه همچون معلمان و مدیران مدارس، کارمندان، قضات و... را متناسب با نیازها و استعدادهایشان ارتقا دهند (۲، ۱۱).

به رغم اینکه کلینیک‌های حقوق کودک در زمان حاضر نقش‌های مختلفی را ایفا می‌کنند و به گفته صاحب‌نظران این حوزه، دایره وسیعی شامل آموزش و ترویج حقوق

بدنی کودک در محیط‌های آموزشی پرسیده شد که بیش از ۶۰ درصد آن‌ها استفاده از تنبیه بدنی علیه دانش‌آموزان را در بعضی موارد روا می‌دانستند. در این دوره آموزه‌های اسلامی و دیدگاه‌های حقوق بشری و همچنین برخی پرونده‌های واقعی در این زمینه تبیین شد و در پایان بار دیگر سؤال مزبور از آن‌ها پرسیده شد. جالب آنکه ۱۰۰ درصد شرکت‌کنندگان با تنبیه بدنی کودکان در محیط‌های آموزشی و در همه موارد مخالف بوده و آن را ممنوع دانستند (۸).

بنابراین آموزش حقوق کودک برای تمامی اشخاصی که به نوعی با کودکان تعامل دارند یک ضرورت است و در این بین والدین و سرپرستان قانونی که بیشترین زمان را با کودک می‌گذرانند و اصلی‌ترین مسئولیت را نسبت به تربیت و پرورش اطفال دارا هستند، مهم‌ترین گروه هدف برای آموزش حقوق کودک می‌باشند. اهمیت این مسأله حتی در بحران‌هایی چون همه‌گیری کووید-۱۹ و اعمال قوانین قرنطینه، بیش از پیش آشکار می‌شود، چه اینکه کاهش فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی در بیرون از محیط خانه برای کودکان و افزایش ساعات هم‌زیستی والدین با فرزندان را به دنبال داشته و برخی وظایف تربیتی و پرورشی مدارس را نیز بر دوش آنان قرار می‌دهد (۱۳)؛ در چنین شرایطی آگاهی والدین از حقوق کودکان و نهادینه‌شدن موضوع حقوق کودک در ذهن و جان والدین و سرپرستان قانونی اطفال و نوجوانان، بی‌شک تأثیر قابل توجهی در مدیریت رفتار و کنترل تعاملات با کودکان دارد.

لذا آموزش به والدین و سرپرستان، نقش به‌سزایی در تأمین اهداف دانش حقوق کودک در خانواده و جامعه دارد. «خانواده مرکز زندگی یک کودک است و زندگی در یک خانواده با ثبات ضامن رشد عاطفی و جسمی کودک می‌باشد. والدین در هر سطح تحصیلات و رفاه مالی که

برای برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های مهم و مورد نیاز عصر حاضر برای کودکان به صورتی هماهنگ در سطح کشور آغاز شده است. این اقدام با حمایت‌های مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک می‌تواند در تبیین حقوق کودک برای خانواده‌ها و کودکان بسیار مفید واقع شود و بستر علمی و توسعه عملی توجه به حقوق کودک را فراهم آورد (۵).

بنابراین آموزش‌ها در چارچوب کلینیک‌های حقوق کودک طیف‌های مختلف شامل کودکان، والدین، خانواده‌ها، اشخاص و نهادهای رسمی و غیر رسمی مربوطه نظیر مربیان آموزشی، پلیس، قضات، وکلا و... را شامل می‌شود که در این میان به نظر می‌رسد خانواده‌ها و به ویژه والدین و سرپرستان قانونی اطفال و نوجوانان، مهم‌ترین مخاطب و مصرف‌کننده تعالیم حقوق کودک به شمار می‌روند.

۳. ضرورت و ظرفیت آموزش حقوق کودک به والدین و سرپرستان قانونی در چارچوب کلینیک‌ها:

کلینیک‌های حقوق کودک برای هر طیفی برنامه‌های آموزشی ویژه‌ای متناسب با شرایط و وضعیت آنان و به ویژه با ملاحظه تکالیف و حقوقی که در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون نسبت به کودکان برای آنان در نظر گرفته شده، خواهند داشت. به واقع «هر گروه و طیفی در جامعه ابزار آموزش حقوق بشر خاص خود را می‌طلبد» (۸). تجربه یک دوره آموزشی در کلینیک حقوقی دانشگاه مفید اثرگذاری کلینیک‌های حقوقی دانشگاهی به عنوان نهادهای علمی و مردمی بر اندیشه مدیران دبیرستان‌های شهر قم را به خوبی نشان داده است. این دوره آموزشی که پیرامون حقوق کودک با تمرکز بر تنبیه بدنی کودکان در محیط‌های آموزشی بود برای ۴۵ نفر از مدیران دبیرستان‌های شهر قم برگزار شد. ابتدا دیدگاه شرکت‌کنندگان در زمینه جواز تنبیه

باشند نیاز دارند در حوزه حقوق کودکان آموزش ببینند. آموزش حقوق کودک برای والدین صرفاً بی‌اطلاع یا ناآشنا به انواع آسیب‌های اجتماعی نیست؛ انواع نوین کودک‌آزاری به ویژه آموزش‌ها یا تحمیل مهارت اجباری، کلاس‌های فوق برنامه فشرده، انتشار تصاویر کودکان در شبکه‌های مجازی برای تبلیغ و عدم مدیریت حق بر فراغت کودکان در بسیاری از خانواده‌های مرفه و تحصیلکرده به وفور به چشم می‌خورد. مسائل مربوط به نقض حقوق کودک ناشی از مسکن نامناسب، آموزش ناکافی، قرارگرفتن در معرض خشونت، عدم بهره‌مندی از مراقبت‌های پزشکی، از دست‌دادن والدین، بدسرپرستی، فقر، بیماری، اعتیاد، غفلت و عدم سلامت روانی و بیماری والدین به علت محیط و تغذیه نامناسب، مشکلات خاص اتباع غیر مجاز یا ازدواج‌های ثبت‌نشده، بی‌خانمانی و آوارگی، ازدواج کودکان، والدین زندانی، همه و همه باید به والدین آموزش داده شود تا با توجه به توان اقتصادی و پیشینه فرهنگی‌شان تا حد ممکن در جهت جلوگیری از چنین نقض‌هایی بکوشند. راهکار آموزشی با توجه به بافت اقتصادی و سنتی محلات توسط کلینیک‌های حقوق کودک و با همکاری مجدانه نهادهای ذی‌ربط، قابل تحقق خواهد بود» (۵).

آموزش‌ها باید بروز و منطبق بر قوانین و در عین حال قابل فهم برای مخاطب خود باشند. در این زمینه تصویب قانون جدید با موضوع حمایت از اطفال و نوجوانان و در نظرگرفتن مقرره‌هایی مرتبط با برخی از اصول اساسی کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، از جمله حق حیات، مشارکت، حمایت از افراد زیر ۱۸ سال، پیش‌بینی وظایف برای ارگان‌ها و نهادهای دولتی و رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی در مورد حقوق کودکان و نیز تکالیفی برای شهروندان و فعالان عرصه حقوق کودک و مسائلی چون سهل‌انگاری نسبت به کودکان و جرم‌انگاری آن و... جملگی

گام مهم و ارزشمندی در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان به شمار می‌روند. در حال حاضر وظیفه اصلی حقوقدانان و کنشگران عرصه حقوق کودک، آموزش و اطلاع‌رسانی قانون حاضر به کودکان، والدین، مسئولین و نهادهای ذی‌ربط می‌باشد تا ضامن اجرای صحیح و دقیق آن باشند و به حمایت حداکثری از کودکان و نوجوانان جامعه عمل پوشانند (۱۴). این مهم می‌تواند در چارچوب کلینیک‌های حقوق کودک و با ملاحظه شرایط و نیازهای مخاطبان گوناگون قانون به طور تخصصی طی دوره‌های آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

کودکان و خانواده‌های آن‌ها به ویژه زنان سرپرست خانواده، به راهنمایی حقوقدانان نیاز دارند؛ اشخاصی که به سبب محدودیت منابع قادر به پرداخت هزینه‌های چنین خدماتی نیستند. وجود کلینیک‌های حقوقی وابسته به دانشگاه، مایه دلگرمی این طیف‌های اجتماعی است. از طرفی، در حالی که یکی از مهم‌ترین مشکلات دستگاه قضایی کشور تراکم پرونده‌ها است، خدمات کلینیک‌های حقوقی باعث می‌شود کمیت پرونده‌های وارد به دستگاه قضایی کاهش و کیفیت آن‌ها افزایش یابد و این، کمکی بزرگ به دستگاه قضایی است (۱۴)، نقش آموزش در ساحت پیشگیری در نظام حقوقی یک نقش درونی و اجتماعی است و تأثیرات آن از اقدامات وضعی و سخت‌افزاری به مراتب بیشتر خواهد بود. آموزش و فرهنگ‌سازی در منظومه جرم‌شناسی از روش‌های پیشگیری اجتماعی و حذف علل و ریشه‌های بزه‌کاری و پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی دانسته می‌شود (۱۵).

در واقع حضور کلینیک‌ها به عنوان مرجع خدمات حقوقی همچون مشاوره و معاضدت در رابطه با مشکلات مختلف کودکان، می‌تواند بهداشت و سلامت قضایی را ارتقا دهد، اما ایفای نقش این کلینیک‌ها در چارچوب برگزاری

مطمح نظر قرار گیرد و چه بسا می‌بایستی به عنوان یکی از شرایط دریافت حق سرپرستی و حضانت اطفال و نوجوانان گذراندن دوره‌های حقوق کودک و اخذ گواهی مربوط به آن مورد نظر باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

کلینیک‌های حقوق کودک چهره‌ای تخصصی از کلینیک‌های حقوقی هستند که به صورت نهادهایی غیر دولتی عمدتاً در مراکز دانشگاهی و کانون‌های وکلا یا در قالب دیگر مؤسسات حقوقی، تأسیس می‌شوند و خدمات حقوقی مشتمل بر آموزش، مشاوره، معاضدت حقوقی، رفع اختلافات، وکالت و... در حوزه‌های حقوق کودک به کودکان، خانواده‌ها، دانشجویان، وکلا، قضات، پلیس، مددکاران اجتماعی، نهادهای آموزشی و دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با امور کودکان ارائه می‌دهند.

مطالعه پیشینه شکل‌گیری و تعمق در فلسفه وجودی کلینیک‌های حقوق کودک نشان می‌دهد که کارکرد این نهادها با بحث آموزش و فرهنگ‌سازی گره خورده است. در واقع می‌توان مهم‌ترین کارکرد کلینیک‌های تخصصی حقوق کودک را آموزش حقوق کودک به طیف‌های مختلف دارای نقش در مسائل کودکان دانست. در این بین والدین و سرپرستان قانونی که حضانت کودکان را عهده‌دار می‌شوند، به عنوان طیفی که بیشترین ارتباط، نظارت، تأثیرگذاری و هم‌زیستی و در عین حال تعهد و مسئولیت را در قبال آنان دارند، بیش از هر گروه یا طبقه اجتماعی نیازمند آموزش دوره‌های حقوق کودک هستند. آموزش رکن اساسی در ایجاد شناخت، اقناع وجدانی و مدیریت رفتار محسوب می‌شود و در زمانی که به واسطه ناآگاهی از حقوق کودکان یا عدم درک کافی نسبت به حدود و ثغور و علل و مبانی آن، امکان نقض این حقوق یا انحراف از آن وجود خواهد داشت، به عنوان ابزاری مؤثر

دوره‌های آموزشی حقوق کودک، نقش درونی‌تر و عمیق‌تری را برای اولیا و سرپرستان کودکان در پی خواهد داشت و علاوه بر حل مشکلات و چالش‌های خانوادگی و اجتماعی، به پیشگیری آتی از سوءرفتار با کودکان نیز نظر دارد.

بنابراین کلینیک‌های حقوقی می‌توانند اساساً پیش از حدوث چالش و طرح دعوی یا شکایت در دادگاه نقش خود را ایفا نمایند. با این حال، کلینیک‌ها در خصوص پرونده‌های مطروحه در دادگاه‌ها کماکان خواهند توانست با استفاده از ابزار آموزش برای طیفی که به واسطه ناآگاهی و شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی نیاز مبرمی به طی دوره‌های آموزشی حقوق کودک (به نسبت سایر اعضای اجتماع) دارند، خدمات مؤثری ارائه نمایند و نتیجتاً نقش قابل توجهی در پیشبرد اهداف نظام حقوقی و قضایی داشته باشند. در بسیاری از موارد آموزش والدین و سرپرستان، برای افزایش کیفیت رسیدگی‌ها و اعمال پیشگیری در آتیه ضروری است.

پیش از این نظام حقوقی داخلی نیاز خود را به چنین خدماتی آشکار ساخته و به طور برجسته در ماده ۴۳ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ مقرر داشته است: «در تمام موارد موضوع این قانون، قاضی رسیدگی‌کننده می‌تواند در کلیه مراحل رسیدگی، والدین، اولیا یا سرپرست قانونی اطفال و نوجوان یا سایر اشخاص مرتبط با پرونده را ملزم به شرکت و اخذ گواهی دوره‌های آموزشی حقوق اطفال و نوجوانان کند.»

این مقرری می‌تواند دستمایه‌ای برای ظرفیت‌سازی جهت پررنگ‌شدن نقش کلینیک‌ها در فرایند آموزش والدین و سرپرستان قانونی کودکان در قلمرو قانون فوق و حتی فراتر از آن باشد. این امر در مورد سرپرستان قانونی که حسن رفتار آن‌ها و توجه به حقوق فرزندخواندگان از سوی آنان از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است، نیز باید

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

در پیشبرد اهداف نظام حقوقی در رابطه با تأمین و محافظت از حقوق کودکان تلقی می‌شود.

کلینیک‌های حقوق کودک با بهره‌گیری از نیروهای متخصص می‌توانند در تعریف و اجرای دوره‌های آموزشی حقوق کودک به طور خاص برای والدین و سرپرستان قانونی و ارتقای وضعیت شناختی و فرهنگی آنان در این زمینه حائز تأثیر به سزا باشند. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مسأله آموزش حقوق کودک و طی دوره‌های مربوطه بنا به تشخیص قاضی برای برخی والدین و سرپرستان، مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است و این می‌تواند نقطه عطف و بستری مساعد و پلی ارتباطی برای ایفای نقش کلینیک‌ها در این زمینه باشد. بر این اساس، می‌بایستی با در نظر گرفتن تمهیدات قانونی و فراهم‌آوری زیرساخت‌های مورد نیاز، نسبت به تثبیت و توسعه نقش کلینیک‌های حقوق کودک در ارائه خدمات آموزشی به والدین و سرپرستان قانونی در مسائل مختلف حقوقی و کیفری حتی فراتر از قلمرو قانون فوق‌الذکر عنایت کافی صورت گیرد و مواردی چون ارجاع قضایی والدین و سرپرستان به کلینیک‌ها برای گذراندن دوره‌های حقوق کودک و مشروط‌شدن دریافت سرپرستی و حضانت به طی دوره‌های مزبور و همچنین در نظر گرفتن امتیازات قانونی برای شرکت داوطلبانه والدین و سرپرستان در این دوره‌ها، مورد توجه قرار گیرد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Garner BA. Black's Law Dictionary. 9th ed. Minnesota: West, St. Paul, MN; 2009.
2. Fazaeli M, Haqshenas F. The role of academic and mosque-based legal clinics in promoting human rights education in Muslim societies. *Comparative Research of Islamic and Western Law*. 2018; 4(4): 119-140. [Persian]
3. Abbasi M, Meghdadi M, Mousavi Mirkalaie ST, Erfanimoghaddam H, Eerfanmanesh MH, Rahbar N. Citizenship Rights; From Legal Aid to Citizenship Rights Clinics. Tehran: Human Rights and International Affairs Deputy Department of Justice; 2017. p.27-141. [Persian]
4. Hannemann JG, Dietlein G. Studentische Rechtsberatung und Clinical Legal Education in Deutschland. Berlin: Springer-Verlag; 2015. [German]
5. Abbasi M, Mirbod L. Legal clinics; Desirable Mechanism for Protection and Substantiation of Children's Rights. *Child Rights J*. 2020; 2(8): 11-46.
6. Abbasi M, Petoft A, Ghasemi A, Ehsanpour R, Abbasian L, Akrami F. Citizenship rights; From international documents to national responses to HIV. Tehran: Legal Publications; 2020. [Persian]
7. Golmehr E, Kalthornia Golkar M, Kalthornia Golkar M, Shiravand Menjani L. The Effect of Distance Learning through Shad Software on the Academic Achievement of Shahed Primary Special School Students in Alborz Province. *Child Rights Journal*. 2021; 3(9): 1-15. [Persian]
8. Meghdadi MM, Erfani Nasab A. The role of legal clinics of law schools in human rights education. *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 2011; 15: 3014-3017.
9. Ranjbarian AH, Nawab Daneshmand F. A Study of the Impact of Human Rights Education on Peace and Development. *Journal of Private Rights Thoughts*. University of Tehran. 2011; 5(12): 97-114. [Persian]
10. Hojaji Najaf Abadi M, Papa M. Children's Rights to Education in International Human Rights Documents. *Child Rights J*. 2019; 1(3): 213-237. [Persian]
11. Pekari C, Schmiedl B. General Remarks on Human Rights Education Methodology. *Understanding Human Rights Manual on Human Rights Education*; 2006. p.380-390.
12. "Children's Rights" clinics will be completed with the full implementation of the Convention on the Rights of the Child. *Hamshahri Newspaper*. 21 January 2021. Available at: <https://www.tabnak.ir/fa/news/1029354>. [Persian]
13. Meisami Z. Reviewing the Children's Privacy in the Family Considering Conditions of the Corona Pandemic. *Child Rights Journal*. 2021; 3(9): 75-91. [Persian]
14. Shafiee Z. The Law on the Protection of Children and Adolescents is a step towards the implementation of international commitments. *Iranian Association of United Nations Studies*. Available at: <https://www.unstudies.ir/>. [Persian]
15. Nouri SM. University Legal Clinic; What is it, why, the future perspective. *Bi-Quarterly Journal of Human Rights*. 2006; 2(1): 136-129. [Persian]
16. Nurbakhsh Y. The role of education in preventing crime and social harm. Tehran: Tehran University Printing and Publishing Institute; 2019. [Persian]